

# مبانی روان‌شناختی

## تخصصی افت

همان گونه که مستحضر هستید هدف روان‌شناسی بررسی چگونگی و چرایی رفتار موجود زنده، بویژه انسان است. روان‌شناسان در بعد بررسی چگونگی رفتار بسیار موفق بوده و اما در تبیین چرایی آن با مشکلات فراوان مواجه شده‌اند؛ زیرا نظام خلقت الهی، نظامی ویژه و استثنایی است.

### روانشناسی و تفاوت‌های فردی

اعتبار روان‌شناسی از این جهت است که انسانها نسبت به هم متفاوت هستند. به عبارت دیگر تفاوت‌های فردی، مادر روان‌شناسی است. انسانها ویژگیهای مشابهی دارند، اما هر فرد برای خویش دنیایی است و از نظر الهی به اندازه دنیا ارزش دارد.

دکتر غلامعلی افروز

... وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ...  
(سوره مائده، آیه ۳۲)

هر کس نفسی را حیات بخشد، مثل آن است که مردم را حیات بخشیده است. در دنیا دو انسان یافت نمی‌شوند که شبیه به یکدیگر باشند. خداوند در سوره مبارکه نوح می‌فرماید:

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (سوره نوح، آیه ۱۴)

و حال آن که او شما را (از نطفه ای) به انواع خلقت و اطوار گوناگون بیافرید.

باید به این گوناگونی و تفاوت‌های فردی، بین فردی و درون فردی توجه شود. تفاوت درون فردی عبارت از تفاوتی است که در میان استعدادها یک فرد وجود دارد. به عنوان مثال دانش آموزی دارای استعداد فراگیری ریاضی بسیار خوبی است ولی در درس ادبیات، دانش آموزی ضعیف محسوب می‌شود. این امر در زمینه های ورزشی و دیگر عرصه های فعالیت فرد نیز صادق است.



در قرآن کریم آمده است:

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ،  
أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ، بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ  
أَنْ نُّسَوِّيَ تَنَائِفَهُ. (سوره قیامت، آیات ۱، ۲، ۳ و ۴)

کودک مربوط می شود صورت نمی گیرد. دانش آموزی ممکن است ۱۴ ساعت زحمت بکشد و در درس دیکته نمره ۱۴ بگیرد و دانش آموز دیگر با یک مرور ۵ دقیقه ای به نمره ۲۰ دست بیابد. در چنین شرایطی ما دانش آموزی را که نمره ۲۰ گرفته است تحسین می کنیم، ولی به دانش آموزی که ۱۴ ساعت تلاش کرده است اهمیتی نمی دهیم. اینک به گونه ای فهرست وار به مبانی روان شناختی افت تحصیلی اشاره می کنیم:

چنین نیست (که کافران پنداشتند) قسم به روز قیامت، و قسم به نفس پرحسرت و ملامت، آیا آدمی می پندارد که ما دیگر استخوانهای پوسیده او را باز جمع نمی کنیم؟ بلی قادریم که سرانگشتان او را هم درست گردانیم.

## ۱- شرایط اجتماعی- اقتصادی

کودکانی که از تبار اقتصادی- اجتماعی پایین تری برخوردار هستند و خانواده های آنان آنان با محرومیت های اقتصادی مواجه می باشند، افت تحصیلی بیشتری دارند. همچنین در هر جامعه ای که دیکتاتوری، وحشت و ناامنی حاکم باشد، کودکان دچار افت تحصیلی می شوند. به طور کلی دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی خاص از جمله: جنگ، تغییرات سیاسی، آشوب های اجتماعی و... موجب ایجاد افت تحصیلی می شوند. به عنوان مثال در کشورهایی که نظام های کمونیستی بر آنها حاکم است، بندرت انسان های خلاق پرورش می یابند.

تا یک صد و اندی سال پیش غالباً کلمه «بنان» به معنای هویت فردی تلقی می شد، تا این که یک زیست شناس انگلیسی در مطالعات خویش به این حقیقت دست می یابد که در سرانگشتان انسان چهار نوع خطوط نیم دایره، موازی و... وجود دارد که از بدو تولد تا هنگام مرگ ثابت است. این خطوط حتی در دو قلوهای یکسان هم مشابه نیست. بدین ترتیب موضوع انگشت نگاری و تشخیص هویت مطرح شد و شاید هزاران نفر تنها با شنیدن همین آیات مسلمان شدند.

پس با توجه به تفاوت های فردی هرگز نباید دو دانش آموز را یکسان پنداشت و همواره باید به تلاش افراد بها داد، نه به حاصل کار؛ چنانکه خداوند می فرماید:

وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (سوره نجم، آیه ۳۹)

## ۲- شرایط آموزشی و امکانات مطلوب تحصیلی

عدم امکانات مطلوب تحصیلی و شرایط آموزشی، معمولاً از عواملی هستند که در ایجاد افت تحصیلی دخیل می باشند. امکاناتی از قبیل مدرسه، کلاس و کتابهای درسی مناسب، وجود رشته تحصیلی مورد علاقه، بهره مندی از معلمان باسواد که از قدرت انتقال کافی

و نمی داند این که برای آدمی جز آن که به سعی خود انجام داده، نخواهد بود.

اما متأسفانه در نظام آموزشی ما به این اصل توجه چندانی مبذول نمی شود. اگر کودکی که از قامتی بلند برخوردار است بپرد و دستش را به سقف بزند، چندان مورد تشویق قرار نمی گیرد، اما هرگاه کودکی کوتاه قد همین کار را انجام دهد او را بسیار تشویق می کنیم. این دقت نظر در مورد فعالیت هایی که به هوش

دستور کار سازمان آموزش و پرورش استثنایی قرار داده ایم که با موافقت جناب آقای دکتر نجفی، طرح آزمایشی آن در سمنان، ورامین و قم در حال اجراست. انجام این طرح اجباری نیست، اما توصیه ما این است که تمامی کودکانی که در اول مهرماه سال جاری وارد دبستان خواهند شد در این سه شهر مورد آزمون هوش، گوش و چشم قرار بگیرند تا درصد نارساییها مشخص شود. اگر این طرح با موفقیت مواجه گردد که به نظر بنده چنین خواهد بود، از مهرماه سال جاری در مورد کسانی که مهرماه سال ۷۳ وارد مدرسه خواهند شد در سطح کشور به مورد اجرا گذارده می شود.

مسأله دیگر گرسنگی کودکان است. تحقیقات نشان داده است دانش آموزانی که گرسنه به مدرسه می آیند و در مدرسه نیز گرسنه می مانند، نسبت به کودکانی که از تغذیه مناسبی برخوردار هستند، دچار افت تحصیلی بیشتر می باشند که با تغذیه نیمروزی می توان از این گونه افت تحصیلی پیشگیری کرد.

افت تحصیلی در میان کودکانی که دچار خستگی مفرط هستند، یعنی شبها دیر می خوابند و یا در طول روز کار می کنند، بیشتر مشاهده می شود.

معلولیت فاحش عضوی مانند فقدان یک دست یا یک پا، از دیگر عوامل افت تحصیلی است.

#### ۴- شرایط روانی - حرکتی

درصدی از دانش آموزان مدارس ما دچار صرع هستند. متأسفانه مبتلایان به صرع بزرگ با مشکلات بسیاری مواجه می باشند. کسانی که مبتلا به صرع بوده اند در زمان امتحان، دوران سربازی و یا هنگام شنا کردن دچار تشنج

برخوردار بوده، مجهز به شیوه های تدریس کارآمد باشند و... همه از عواملی هستند که از افت تحصیلی پیشگیری می کنند.

#### ۳- شرایط فیزیولوژیکی یاد گیرنده

شرایط فیزیولوژیک دانش آموزان معمولاً مورد غفلت قرار می گیرد. بعضی از بچه ها دچار ضعف شنوایی هستند، ولی ناشنوا محسوب نمی شوند. حدود ۲ درصد از دانش آموزان ما سخت شنوا هستند و یا ضعف شنوایی دارند که این مسأله زمینه افت تحصیلی را فراهم می کند.

بنده اخیراً در کنگره جهانی تکنولوژی معلولیت شرکت داشتم که طی این سفر فرصتی پیش آمد تا بررسی دوباره ای در زمینه ارتباط میان شرایط فیزیولوژیک یادگیرنده و افت تحصیلی انجام دهم. بررسیها در این زمینه نشان می دهد که ضعف بینایی و شنوایی در میان دانش آموزانی که دچار افت تحصیلی شده اند چند برابر دانش آموزان دیگر است. همچنین ضعف بینایی و شنوایی در میان کودکان و نوجوانان بزهکار، آنان که در کانونهای اصلاح و تربیت به سر می برند چند برابر افراد عادی است. برخی از محققان نتیجه می گیرند که چه بسا این ضعف بینایی و شنوایی پنهان سبب افت تحصیلی شده و زمینه بزهکاری را فراهم ساخته است. نکته قابل توجه دیگر این که کودکانی که دچار عقب ماندگی ذهنی جدی هستند بزهکار نمی شوند، ولی آنان که نارسایی پیدا می کنند، به بزهکاری روی می آورند.

با توجه به اهمیت موضوع تشخیص نارساییهای فیزیولوژیکی به منظور پیشگیری از افت تحصیلی، طرح سنجش بینایی، شنوایی و هوش کودکان را قبل از ورود به دبستان در

می‌توانند این نوع ضایعات را شناسایی کنند. به‌طور کلی افت تحصیلی در میان دانش‌آموزان مبتلا به بیماری صرع بسیار است.

دانش‌آموزانی که دچار لکنت زبان هستند، از آن‌جا که نمی‌توانند افکار خود را بازگو کنند دائماً در فشار روانی، اضطراب و تنش به سر می‌برند؛ لذا بیش از دیگران افت تحصیلی دارند. این‌گونه دانش‌آموزان توانایی‌های بسیاری دارند؛ اما متأسفانه قادر به ابراز آنها نیستند.

گروه بعدی کودکانی هستند که به فلج مغزی دچارند. این قبیل کودکان لزوماً عقب‌مانده نیستند، بلکه برخی از آنان تیزهوش هم هستند. به‌عنوان نمونه خانم پروین وطن‌چی که مبتلا به فلج تمام‌بدن است، فردی تیزهوش می‌باشد و در حال حاضر دانشجو هم می‌باشد.

حدود سه چهارم از کودکان مبتلا به فلج مغزی عقب‌ماندگی دارند و افت تحصیلی آنان بدان خاطر است که فاقد قدرت حرکت هستند. دسته دیگر کودکان مبتلا به کم‌مهارتی هستند. حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد بچه‌ها دچار مشکلات ناشی از این نارسایی می‌باشند و به‌طور کلی ۲۷ درصد بچه‌ها باید مورد توجه خاص قرار بگیرند.

بچه‌های صفر مهارتی که اصطلاحاً به آنها بچه‌های دست و پا چلفتی می‌گویند، از کودکان استثنایی محسوب می‌شوند. این کودکان دارای ضایعات جزئی هستند که ترمیم آنها با توان بخشی حرکتی و ایجاد انگیزه‌های روانی میسر است. هوش این‌گونه کودکان طبیعی است، ولی بیشتر از آن چیزی که هستند، می‌توانند باشند.

شده و فاجعه‌آفریده‌اند. تشخیص صرع آسان نیست و خانواده‌ها نیز معمولاً آن را پنهان می‌کنند، زیرا مردم نگرش خوبی نسبت به بیماری صرع ندارند. بعضی از کشورها اعلام کرده‌اند که ده درصد از کودکان و نوجوانان به‌گونه‌ای مبتلا به صرع هستند. کشور انگلستان اعلام داشته است که تقریباً ۶۰۰۰۰ نفر مصروع را شناسایی کرده و به آنها پلاک داده است. در کشور ما نیز ۲ درصد از دانش‌آموزان مدارس به‌گونه‌ای صرع دارند. یکی از انواع صرع که در میان دانش‌آموزان مدارس بیشتر رایج است، «صرع تصویری» است. بچه‌هایی که زیاد تلویزیون تماشا می‌کنند مستعد ابتلا به این نوع صرع هستند.

همچنین افرادی که در مناطق جنگلی شمال زندگی می‌کنند نسبت به افرادی که در مناطق کویری به سر می‌برند، بیشتر به صرع تصویری دچار هستند و این امر به دلیل نور آفتابی است که از لابلای درختان به‌طور متناوب به آنان می‌تابد. بنابراین کودکانی که در مناطق جنگلی به سر می‌برند باید مورد آزمایش قرار گیرند.

نوع دیگر صرع، «صرع غیبت یا غیاب» است، بنده موارد زیادی از این نوع صرع را در میان دانش‌آموزان مدارس مشاهده کرده‌ام. در این نوع صرع کودک به حالت غش یا تشنج نمی‌افتد، بلکه حواس او به مدت چند ثانیه پرت شده، از کلاس غافل می‌گردد. این حواس پرتی با تخیل و یا رؤیا متفاوت است. از دیکته بچه‌ها می‌توان به این نوع صرع پی برد، زیرا چند کلمه را جا می‌اندازند. تعداد این قبیل دانش‌آموزان زیاد است. اینان دچار ضایعات جزئی هستند که قابل تشخیص هم نیست. البته معلمان مدارس تا حدودی

پرخاشگر می‌خواهند با رفتار پرخاشگرانه خود دیگران را کنترل کنند. در برخی از مدارس از چنین کودکانی به عنوان مبصر استفاده می‌کنند، ولی درمان اصلی این نیست؛ زیرا بدین ترتیب انرژی این کودکان را هدایت می‌کنند، ولی پرخاشگری آنان را درمان نمی‌نمایند. پرخاشگری زمینه‌های مختلف دارد و ارثی نیست. یکی از زمینه‌های پرخاشگری، شرایط فیزیولوژیکی فرد است، به طوری که کاهش قند خون در بچه‌ها سبب بروز پرخاشگری در آنان می‌شود. نارساییهای جسمانی و داشتن مشکل در زمینه یادگیری از دیگر عوامل بروز رفتار پرخاشگرانه در کودکان به شمار می‌آیند و سرانجام کودکانی که مورد تنبیه و تحقیر بسیار قرار می‌گیرند، رفتاری پرخاشگرانه پیدا می‌کنند.

بنابراین رفتارهایی از قبیل بیش‌فعالی، بی‌توجهی، کمروبی، درخود فروماندگی و پرخاشگری که تحت عنوان سازش‌نا یافتگیهای رفتاری خوانده می‌شوند، در ایجاد افت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثرند.

## ۶- شرایط عاطفی و روانی

هریک از زمینه‌هایی که به آنها اشاره شد دارای اهمیت خاص خود هستند، اما به نظر بنده شرایط عاطفی و روانی در کشور ما، عامل اصلی مؤثر در ایجاد افت تحصیلی است.

در ارتباط با شرایط عاطفی و روانی، همواره سخن بر سر این است که میان ظرفیت بالقوه کودکان و آنچه که انجام می‌دهند فاصله‌ای وجود دارد و امروزه روان‌شناسان معتقدند که نباید صرفاً به دنبال سنجش هوش کودکان بود، بلکه باید ظرفیت یادگیری آنان را به دست آورد زیرا همواره ظرفیت یادگیری بچه‌ها فسوق العاده بیش از آن است که می‌آموزند. به عنوان مثال مدتها قبل درباره بچه‌های

## ۵- سازش‌نا یافتگی رفتاری

کودکانی که به ناسازگاری عاطفی مبتلا هستند، از نظر رفتاری با محیط سازش ندارند و از یک تعامل بین فردی، به نحو مطلوب برخوردار نیستند، در معرض انواع افتهای تحصیلی قرار دارند. به عنوان مثال بچه‌هایی که به «بیش‌فعالی» دچار هستند، اصلاً آرامش ندارند و یک کار را هیچ وقت تمام نمی‌کنند. ۹۹ درصد این بچه‌ها در مدارس عادی هستند و چون سازگاری رفتاری با خود و محیطشان ندارند، افت تحصیلی در میان آنها زیاد دیده می‌شود.

بچه‌هایی که مبتلا به کمروبی هستند بیش از کودکانی که برخوردار از مهارتهای اجتماعی می‌باشند دچار افت تحصیلی می‌شوند. اینان گرایش دارند در عقب کلاس بنشینند و معلمان نیز آنها را به این کار تشویق می‌کنند، لذا از تحصیل عقب می‌مانند.

گروه دیگر بچه‌هایی هستند که به درجات مختلف «در خود فروماندگی» دارند. اینها در مدارس عادی درس می‌خوانند و آنهایی که به عقب ماندگی هم دچار می‌باشند، به سراغ سازمانهای استثنایی می‌روند. درخودماندگی نسبی است، بچه‌هایی هستند که با حیوانات و اشیاء ارتباط دارند، ولی فاقد ارتباط با انسانها می‌باشند. برخی برای درخودماندگی یک ضایعه جزئی پیدا کرده‌اند که دارای زمینه‌های مغزی و عصبی است و گروه دیگر آن را بیشتر معلول شوک روانی - عاطفی در خانواده می‌دانند.

بچه‌های پرخاشگر در مدارس ما زیاد هستند. بسیاری از مادران می‌گویند که فرزندشان عصبی و پرخاشگر است، آرام و قرار ندارد و در کلاس هم شلوغ می‌کند. بچه‌های

ادراک می‌کند و زمینه فراموشی را فراهم می‌سازد.

بنابراین کودکانی که فاقد آمادگی ذهنی هستند، نگرش و یا بازخورد منفی نسبت به خودشان، محیط و یادگیری دارند، بچه‌هایی که از معلم، کتاب و کلاس بنا بدلائلی بدشان می‌آید، دچار نوعی بی‌اشتهایی تحصیلی می‌شوند که فرنگیها از آن به عنوان پدیده «تهوع فکری» نام می‌برند و این امر نه تنها زمینه افت تحصیلی نسبی را فراهم می‌کند، بلکه دلیل بسیاری از خودمردودها محسوب می‌شود.

تمام بحث روان‌شناسی در ارتباط با افت تحصیلی این است که چه کنیم تا بچه‌ها برانگیختگی روانی داشته باشند. برای رسیدن به این مقصود معتقدند که باید به بچه‌ها دید بدهیم، یعنی چشم آنها را باز کنیم. براساس مکتب شناخت درمانی، باید در حوزه شناختی فرد تغییراتی ایجاد کرد. این دگرگونیها از طریق ارائه اطلاعات مؤثر صورت می‌گیرد. این اطلاعات باید متناسب با شرایط ذهنی، سنی، رغبتها و علائق کودک باشد و به توسط فردی که مورد علاقه کودک است و در شرایطی خوشایند ارائه شود. بدین ترتیب شناخت تازه‌ای در کودک ایجاد می‌شود.

\* این بحث در تاریخ ۷۲/۲/۲۵ در جمع مدیران کل آموزش و پرورش سراسر کشور ارائه گردید.

منگول (عقب مانده) می‌گفتند که اینها آموزش ناپذیر هستند، در حالی که اکنون با شناخت هرچه بهتر ویژگیهای این قبیل کودکان به این نتیجه رسیده‌اند که با ایجاد برانگیختگی روانی، اینان می‌توانند آموزش پذیر باشند و کارهای خیلی خوبی انجام دهند به طوری که در جشن ویژه معلمان استثنایی شاهد بودیم یک کودک منگول که دچار عقب ماندگی ذهنی و ناشنوایی بود، ورزشهای رزمی را بخوبی انجام داد.

همواره میان مهارتهای حرکتی و کنشهای ذهنی رابطه‌ای وجود دارد. کودکی که مهارتهای حرکتی بیشتری دارد، نشانی از ظرفیت هوشی اوست و بچه‌هایی که کم مهارت و دست و پا چلفتی خوانده می‌شوند از هوش خوبی برخوردارند ولی بین کنشهای هوشی و مهارتهای حرکتی آنان رابطه وجود ندارد. فاصله میان مهارتهای حرکتی و کنشهای ذهنی در نزد بچه‌های کمرو، کودکانی که آمادگی ذهنی و روانی ندارند و یا بچه‌هایی که از انگیزه لازم برای تحرک و پویایی برخوردار نیستند، خیلی بیشتر است. کودکانی که اعتماد به نفس آنان پایین و خودپنداری شان ضعیف است، یعنی تصویری که از خود دارند خیلی کمتر از آن چیزی است که هستند و هیچ ارزشی برای خویش قائل نیستند، عموماً والدینی کمرو، تنبیه‌گر، تحقیر کننده، فوق العاده مضطرب و یا برعکس فوق العاده کمال جو دارند. به قول روان‌شناسان، کمال جویی پدر و مادر نمی‌گذارد آن «من بچه» و شخصیت او به صورت سالم رشد کند. کودک همیشه مضطرب و نگران است که چیزی کم دارد و هیچ گاه به آرمانهای پدر و مادر نمی‌رسد و از آن جا که این گونه والدین توقع بیش از حد از فرزندان خود دارند، اضطراب و هیجان کودکان را دچار خطای